

۱۰فرهنگ ادبیات وهنر

یادداشت

چرا باید برای کتاب خواندن وقت گذاشت؟

این روزها در هفته کتاب و کتابخوانی قرار داریم و خبرهای مختلف از رویدادها، نشست‌ها، جوایزو جشنواره‌های مختلف دبیرفرهنگ وهنر در حوزه کتاب در رسانه‌ها منتشر می‌شود اما همه فعالان صنعت نشر و کسانی که دستی در تألیف و ترجمه دارند، می‌دانند که این رویدادهای پرزرق و برق، با وجود محاسنی که دارند؛ دردی از صنعت نشر و تولید کتاب در کشور ما را درمان نخواهند کرد.
درد اصلی کتاب در کشور ما این است که با وجود همه خوشبینی‌ها، آمارهای مختلف و تلاش‌های نهادهای دولتی و غیردولتی برای رواج فرهنگ کتابخوانی، گروه زیادی از مردم کشور ما کتاب نمی‌خوانند و در تگانه‌های اقتصادی که در سال‌های اخیر به صورت پیاپی، زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، نخستین محصولی که از سبد خنوار حذف می‌شود، کالا‌های فرهنگی و به‌خصوص کتاب است.
صنعت نشر کشور ما تکان نخواهد خورد تا زمانی که کتابخوانی به شکلی واقعی و بنیادین به یک نیاز فردی و اجتماعی تبدیل شود.

واقعیت این است که در نزد بسیاری از ما، کتاب خواندن و مطالعه، یک فعالیت فانتزی برای پرکردن وقت‌های مرده و در بهترین شکل وسیله‌ای برای سرگرمی است. تا زمانی که این نگاه به مطالعه در ما وجود دارد، نیازی درونی به کتاب احساس نمی‌کنیم و در این صورت اگر کتاب را از زندگی خود حذف کنیم، احساس نمی‌کنیم چیزی مهم را از دست داده‌ایم. اما واقعا برای زندگی بهتر، به کتاب نیاز داریم؟ البته نمی‌خواهم این نوشتار، رنگ و بوی نوشته‌های انگیزشی بگیرد که در آن همه چیز گل و بلبل است. نویسنده این یادداشت هم مثل شما به مشکلات متعدد اقتصادی مردم واقف است و آنها را با گوشت و پوست درک می‌کند اما برخلاف بسیاری از مردم معتقد نیست در انتخاب میان کالای فرهنگی و میوه و حبوبات، باید کالای فرهنگی را بدون تردید حذف کرد.

واقعیت این است که کتاب و مطالعه، تنها برای سرگرمی و رفع مشکلات خواب کاربرد ندارد. در جهان امروز کسانی در هر رشته‌ای، موفق‌ترند که دو ویژگی در آنان وجود داشته باشد: خلاقیت زیاد و ارتباطات گسترده. چه در تجارت، چه در فناوری، چه در هر رشته‌ای که بخواهید انتخاب کنید و در آن پیشرفت کنید، به این دو ویژگی نیاز دارید. دنیای امروز دنیایی است که در آن انسان‌های خلاق، فرصت بیشتری برای مقدم بودن در صف پیشرفت دارند و هرچه دایره ارتباطات انسانی بیشتر باشد، امکان توفیق بالاتر است. عصر امروز که آن را عصر اطلاعات می‌دانند، دورانی است که عنصر اصلی تولید ثروت و پیشرفت، اطلاعات است؛ هرچه توان تبدیل داده‌ها به اطلاعات در افراد بیشتر باشد، افراد موفق‌ترند.

خلاقیت قابلیت تکثیر و فراگیری دارد. هنر و ادبیات، مهم‌ترین عامل افزایش قدرت خلاقیت در افراد است. کسانی که به دیدن آثار هنری و خواندن ادبیات خلاقه عادت دارند، خلاقیت در وجودشان قدرتمندتر و بیشتر است. از طرف دیگر ارتباطات نیز به آگاهی‌های افراد بستگی دارد. هرچه افراد آگاه‌تر و داناتر باشند، بیشتر از دیگران می‌توانند ارتباطات فردی، میان‌فردی و گروهی خود را مدیریت و تنظیم کنند.

کسانی که بیشتر می‌خوانند، بیشتر می‌دانند، بیشتر از تجربیات دیگران بهره می‌گیرند، بیشتر می‌توانند از اشتباهات دیگران درس بگیرند و آنها را تکرار نکنند، دایره واژگانی وسیع‌تری دارند و ارتباط کلامی بهتر و درست‌تری برقرار می‌کنند و از همه مهم‌تر این‌که دیگران از مصاحبت و گفت‌وگو و ارتباط‌گیری با آنان لذت می‌برند و به هکلامی‌شان رغبت دارند.

نمی‌دانم هنوز هم با خواندن این یادداشت معتقدید که کتاب خواندن یک کار فانتزی و صرفا سرگرم کننده است یا نه ولی اگر در این دیدگاه‌تان می‌خواهید تجدید نظر کنید، یک کتاب تازه و خواندنی بخرید و خواندنش را در همین روزها که به نام کتاب است، آغاز کنید.



«دوره‌می کتاب» به یاد رودابه کمالی

همزمان با هفته کتاب و کتابخوانی، برنامه «دوره‌می کتاب» به یاد رودابه کمالی، نویسنده کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. در این برنامه که امروز از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سالن اجتماعات فرهنگسرای اندیشه برگزار می‌شود، نویسندگان کودک و نوجوان همچون حدیث لبرغلامی، اتوسا صالحی و مژگان کلهر با همراهی بهار اصفهانی با برگزار کارگاه خلاق داستان نویسی، خلق شخصیت و کتاب‌سازی، یادرودابه کمالی راگرامی می‌دارند.

هامون در آتش



از داریوش مهرجویی که خودش هم اهل کتاب است و به‌عنوان نویسنده، رمان‌هایی چون به‌خاطر یک فیلم بلند لعتنی، در خرابات مغان و به‌عنوان مترجم آثاری چون جهان هولوگرافیک و یونگ، خدایان و انسان مدرن را در کارنامه دارد، جز این هم انتظار نمی‌رود که برخی شخصیت‌هایش، حشر و نشری با کتبا داشته باشند. گل سرسبد این شخصیت‌ها و فیلم‌های مهرجویی، «هامون» است که به‌دلیل تحقیق و نوشتن رساله دکترایش در علوم انسانی و درباره عشق و ایمان، سر در کتاب و مطالعه دارد. به همین دلیل رویت کتاب‌هایی چون تذکرةالاولیاء نوشته عطار نیشابوری و داستان پیامبران در کلیات شمس نوشته تقی پورنامداریان در مجاورت قوطی کنسرو لوبیا و تن ماهی و سیگار وینستون و فندک و زیرسیگاری، نباید چندان مایه تعجب باشد.
گروه زلف هامون با کتاب فقط منحصر به درس و تحصیل و دوران پختگی او نیست و حتی در گذشته و در عاشقی و صمیمیت بیشتر کشور ما کتاب نمی‌خواندند و در تگانه‌های جوانی تولستوی، فرانی و زویی نوشته جروم دیوید سلینجر (که بعد مهرجویی فیلم بری را با نیم نگاهی به آن ساخت) آسیا در برابر غرب، نوشته داریوش شایگان و ابراهیم در آتش، نوشته احمد شاملو حرف می‌زند که با توجه به دیالوگ‌های تأکیدی حمید هامون، حکایت از درد و رنج و عشق و سوختن دارد که کاملا منطبق با حال و روز شخصیت او در قصه است.

در فیلم ایتالیا ایتالیا به کارگردانی کاه صباغ زاده هم دو دل‌داده جوان هم همچون حمید و مهشید در یک کتابفروشی قرار می‌گذارند و به آن سکانس مشهور و کتاب هامون علنا ادای دین می‌کنند. شهر فرنگ اروپا؛ چکیده‌ای از پیدا و پنهان تاریخ قرن بیستم نوشته پاتریک اونور‌دنیک، جنبش‌های فاشیستی نوشته ارنست نولته، شکسپیر و شرکا نوشته جرمی مرسر، عشق زیاد هم قیمتی نیست نوشته بریژیت ژیرو، کتاب‌هایی هستند که اسم آنها در این سکانس ذکر می‌شود.
منتها تفاوت این صحنه‌ها در ایتالیا ایتالیا با هامون این است که به نظر می‌رسد کتاب‌ها اینجا چندان در قصه و شخصیت تنیده نمی‌شود یا آن‌طور که باید حتی طرح نامشان اثرگذار نیست و نشانی نمی‌دهد.

به صحرا شدم عشق باریده بود



به‌جز این‌که شب‌های روشن به کارگردانی فرزاد مؤتمن، اقتباسی آزاد از اثر داستایوفسکی است، قصه یک استاد دانشگاه و مدرس ادبیات، نمی‌تواند بی‌اشاره به کتاب باشد و مطالعه و غور در آثار ادبی و دیالوگ‌هایی مبتنی بر آنها، حداقل انتظاری است که از چنین فیلمی می‌رود. خود استاد هم همان اوایل فیلم با بیان این جمله، چشم اندازی از فضای مأنوس با کتاپ قصه ترسیم پیش روی مخاطب قرار می‌دهد: «یکی از معدود چیزایی که حس خیالبافی من رو ارضا می‌کنه، کتابه و جایی که کتاب باشه، آدمی هم هست که چند دقیقه‌ای تحملش کنم و تحملم کنه.»

این دیالوگ‌ها را روی تصاویر ورود استاد به یک کتابفروشی می‌شنویم و می‌بینیم پاتوق اوست و تأکید دیگری بر ساحت کتابی فیلم شب‌های روشن است. آن قاب‌های عکسی که بعدا روی دیوار اتاق استاد می‌بینیم، حرارت عشق و علاقه او به کتاب و مطالعه و نویسندگان را بیشتر منتقل می‌کند.

در یکی از نماها از کتابخانه استاد، کتاب‌هایی چون زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند نوشته ارنست همینگوی، کوری نوشته ژوزه ساراماگو و در جنگ باد نوشته نصرت رحمانی، به چشم می‌خورد. استاد در جای دیگری از فیلم به کتاب میعاد در لجن نوشته نصرت رحمانی هم اشاره می‌کند.

همچنین اینجا هم مثل هامون، اشاره‌ای به تذکرة الاولیاء می‌شود، منتهی این ذکر خیر با تأکید بیانی است و استاد این کتاب را برای همه اعم از مبتدی‌ها و اساتید عالی می‌داند و این بخش آن را برای دختر جوان می‌خواند؛ به صحرا شدم عشق باریده بود و زمین‌تر شده، چندان که پای مرد به گلزار فرو شود، پای من به عشق فرو شد.
آرژوی دختر برای استاد هم بی‌حرف کتاب نیست و نشان از جایگاه بالای کتاب و مطالعه در قلب استاد دارد. او می‌گوید «واقعا امیدوارم خوشبخت بشی و کسی رو که دوست داری پیدا کنی. فقط مواظب باش کتاب‌هات رو به رخش نکشی، چون زن‌ها تحمل رقیب رو ندارن».

گزارشی از محفل مشاعربه مناسبت سالگرد ولادت علامه اقبال لاهوری

«شعر» پیوند دهنده ایران و کشورهای منطقه

علامه محمد اقبال لاهوری شاعر، سیاستمدار، فیلسوف و متفکر نامدار و نواندیش هندی با عنوان «اقبال لاهوری» شناخته می‌شود. او در سال ۱۸۷۳ میلادی در شهر سیالکوت در ایالت پنجاب هند به دنیا آمد. او تحصیلات عالی خود را در رشته‌های فلسفه و حقوق در دانشگاه‌های انگلستان و آلمان به اتمام رساند و با توجه به اشرافی که به علوم اسلامی و مکاتب فلسفی شرق و غرب داشت، توانست همچون پل ارتباطی در جهت درک بهتر مبانی فلسفه شرق و غرب باشد. اقبال یکی از فیلسوفان بزرگ اسلامی است که منبع فکرش از قرآن سیراب می‌شود. آنچه که از اقبال یک چهره متمایز و ممتاز می‌سازد استعمارستیزی او در دوران سلطه استعمار انگلستان بر شبه قاره هند و اشعار بی‌بدیل وی برای بیداری مسلمانان و مردمان تحت ستم است. اقبال بی‌آن که زبان فارسی را به شکل رسمی و آکادمی خوانده باشد به این زبان اشعار فراوانی سروده که به گفته اهل فن بخشی از شاهکارهای ادب فارسی هستند. علامه اقبال افکار بلند خود را در قالب اشعاری برای اصلاح جامعه مسلمانان و به حرکت در آوردن آنها باقی گذاشت. اقبال هیچگاه خود را شاعر نمی‌دانست بلکه شعر را ابزاری برای بیان افکار و بالا بردن ضریب نفوذ مفاهیم می‌دانست.

سفارت پاکستان در تهران سه‌شنبه گذشته میزبان جمعی از شاعران پاکستانی و ایرانی بود و محفل مشاعره‌ای به مناسبت صد و چهل و چهارمین سالگرد ولادت علامه محمد اقبال برگزار کرد. سناتور ولید اقبال، نواده دکتر علامه محمد اقبال مهمان ویژه این رویداد بود و جمعی از شاعران پاکستانی و ایرانی همچون ابراهیم نوری، علی داوودی، احمد شهریار، صائب جعفری، عباس ثاقب، علیرضا قزوهِ و علی‌محمد مودب به میزبانی رحیم حیات قریشی سفیر پاکستان در این مراسم حضور داشتند و با ادای احترام به علامه اقبال به شعرخوانی پرداختند.

تأثیرات اقبال در وحدت بین مسلمانان
سناتور ولید اقبال در این مراسم به تشریح نقش اشعار اقبال در بیداری روحیه آزادی و وحدت بین مسلمانان شبه قاره هند پرداخت و بر مفهوم عشق از منظر علامه محمد اقبال تأکید کرد.

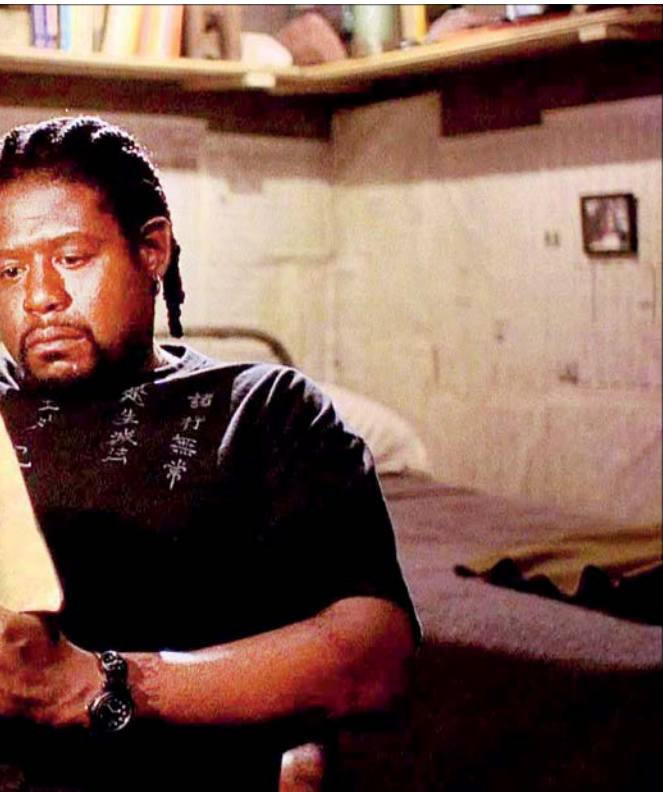
ایمانی‌پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی حجت‌الاسلام مهدی ایمانی‌پور را به‌عنوان رئیس جدید سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منصوب کرد. ایمانی‌پور، متولد ۱۳۴۳ دارای تحصیلات عالی حوزوی است. ترجمه و بازنویسی کتاب «اسلام و چالش‌های دوره مدرن» از زبان آلمانی ازجمله آثار اوست. از سوابق اجرایی او می‌توان به قائم‌مقام و دبیر شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) و رایزن فرهنگی ایران در روسیه و آلمان اشاره کرد.



چرا بعضی کارگردان‌ها علاقه دارند در

بازی گرفتار



وقتی کتاب و سینما مطرح می‌شود، عموما بحث اقتباس ادبی را مطرح می‌کنند و این که کتاب‌ها چقدر برای خوانش و روایت سینمایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا سؤال مهم‌تر این‌که چقدر سینما از این ظرفیت به‌درستی استفاده کرده است. فارغ از این بحث، کشمکش‌ها و اختلافات پیدا و پنهان اهل کتاب و اهل فیلم که ظاهرا ازلی و ابدی است و راه حل چندانی هم برای توافق سر آن وجود ندارد، گاهی



علیرستگار

سینما

از هاگاکوره تا پیرمرد و دریا

سینمای جهان نمونه‌های موفق و جذابی در ارجاع به کتاب‌ها دارد و کمتر پیش می‌آید فیلمسازان، باری به هرجهت و تئزینی کتابی را در فیلم نمایش دهند یا درباره آن صحبت کنند. یکی از مهم‌ترین فیلم‌ها که با کتاب عجین شده، گوست داک؛ سلوک یک سامورایی اثر جیم جارموش است که شخصیت اصلی و آدمکش آن، اصول زندگی‌اش را بر پایه هاگاکوره (کتاب راهنمای عملی و معنوی جنگجویان سامورایی) نوشته یاماموتو تسونه‌تومونا کرده است. به دلیل علاقه گوست داک به کتاب، در فیلم هر د و نشانی از کتاب و کتابخوانی می‌بینیم که رنگ و بوی متفاوتی به شخصیت یک آدمکش و فضای گنگستری فیلم می‌دهد. راشومون نوشته ریونوسوکه آکوتاگاوا که آکیرا کوروساوا هم اقتباس درخشانی از آن دارد، یکی از کتاب‌هایی است که گوست داک در فیلم مطالعه می‌کند. گوست داک در ادامه با دخترکی آشنا می‌شود که او هم علاقه‌مند به مطالعه است و جعبه قرمز رنگی پر از کتاب دارد. باد در درختان بید نوشته کنت گره‌م و جان‌های ملت سیاه نوشته دابلیو. ئی. بی. دیو بویس از جمله این کتاب‌ها هستند.

شخصیت فرهیخته و کتابخوان کارآگاه ویلیام سامرست (مورگان فریمن) در فیلم هفت دیوید فینچر، نقش به‌سزایی دارد و همین آگاهی به دانش می‌رسد و به حل معمای جنایت‌های فیلم کمک می‌کند. شیوه جنایت قاتل که براساس هفت



در همین برنامه هم کتاب دیوان غزل دکتر طباطبایی است را به نوه ایشان، **نوه علامه اقبال؛ یک شخص** این شاعر و نویسنده با تأکید بر ندیده، می‌گوید: نوه علامه اقبال ش خوبی دارد. در این برنامه هم ش خوبی کرد و احترام خاصی به مقا تقدیر است. این رابطه‌ها بسیار ادیبان کشورهای دیگر نیز توسعه ش قزو به اشاره به این‌که کارهای زیب انجام شده که قابل تامل است. یاد مستندی درباره اقبال بودم که در ساخته شد و در این مستند و با

میان کشورهای همسایه می‌گوید: علاقه‌مندم برپایی این محفل شعر را از جنبه دیگری بررسی کنم. عموما سفارتخانه‌ها در ذیل یک رابطه دولتی با یکدیگر در ارتباط هستند و این اتفاق حتما باید از کانال‌های رسمی دولتی رخ بدهد، اما در عین حال معتقدم بهتر است در مورد کشورهایی مانند پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و ... که اشتراکات فرهنگی بسیاری با آنها وجود دارد، این ارتباط با بدنه فرهنگی جامعه بی‌واسطه محقق شود.

وی ادامه داد: من در این برنامه به عنوان کارشناس فرهنگی سازمان ارتباطات یا رایزن فرهنگی دعوت نشده بودم، بلکه حضور در این برنامه به عنوان یک شخصیت ادبی و فرهنگی اتفاق افتاد و به دلیل علاقه به علامه اقبال، فرزندان و نوادگانشان که واقعا دوست‌داشتنی هستند و در احترام به هم‌زبانی و هم‌فرهنگی با پاکستان در این مراسم حاضر شدم و